واکنش وزیر ارشاد به سرنگونی پهپاد آمریکایی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به سرنگونی پهپاد آمریکایی واکنش نشان داد. به گزارش مهر، سیدعباس صالحی در توییتر نوشت: اسقاط ایرباس مسافری توسط آمریکایی‌ها و شهادت ۲۹۰ مسافر یادمان، نرفته است. برای آن هیچ عذرخواهی و غرامتی در کار نبود. مدال هم دادند! او افزود: آن روز به آسمان نگریستیم و گل ریزان شهیدان را دیدیم و گریستیم. اما امروز آسمان ایران برایشان ناامن شد. اندکی از آن بغض فرونشست.

روایتی از شاهنامه برای کودکان در نیاوران

نمایش کودک «هفت‌خوان کودکان» به نویسندگی و کارگردانی حسین مزینانی در فرهنگسرای نیاوران روی صحنه رفت. در نمایش هفت‌خوان کودکان یك گروه نمایشی با دو کودك به نام‌های ازل و ابد روبه‌رو می‌شوند و توسط آنها به دل زمان می‌روند تا قصه هفت‌خوان رستم را اجرا کنند و لشکر ایران را از دست دیو سپید نجات دهند. اجرای این نمایش تا ۲۸ تیر ادامه دارد.

یادداشت:
پیمان طالبی
شاعر

نگاهی به مجموعه شعر «دچار» سروده سیدعلی رکن‌الدین

تازه این ابتدای تنهایی ست

«دچار» یکی از عاشقانه‌ترین کلماتی‌ست که تا امروز به گوشم خورده است. در لغت‌نامه دهخدا برایش دو معنی ذکر شده: یکی آن‌که رسیدن دو کس به همدیگر به یك ناگاه و یا بی‌خبر را گویند و دوم گرفتار و مبتلا.

سیدعلی رکن‌الدین، شاعر جوان و مستعدی است که نام اولین مجموعه شعر خود را که به‌تازگی توسط نشر نزدیك‌تر منتشر شده، «دچار» گذاشته است و این یعنی خواننده پیش از هرچیز می‌داند در این کتاب با ادبیات غنایی مواجه خواهد شد. وصل و هجران و بی‌قراری‌های یك عاشق سرگشته در آن به آنِ عاشقانگی هایش. طرح جلد کتاب هم برای خوانندگان موید این تفکر است و این خوب است که مخاطب یك کتاب از ابتدا تکلیف خود را با آن بداند.

زبان شعر سیدعلی رکن‌الدین در «دچار» ساده و صمیمی است و این موهبت را احتمالا مرهون سعدی‌خوانی‌هایش باید باشد. سعدی اسطوره زبان سهل و ممتنع در ادب پارسی است و رندی‌هایی از آن جنس را می‌توان در زبان شعرهای عاشقانه رکن‌الدین هم یافت:

مرگ عمری‌ست آرزوی من است
آی آغوش یار! دلتنگم!

خوب است در همین‌جا اشاره‌ای کنم به مقدمه کوتاه و یك صفحه‌ای کتاب که در آن رکن‌الدین دلبستگی و وابستگی ادبی خود به مرتضی امیری اسفندقه، قصیده‌سرای مطرح خراسانی را بیان می‌کند و صدالبته در صمیمیت زبانی رکن‌الدین بدون شك این تعلق خاطرش به اسفندقه و قصاید لطیف و صمیمی‌اش بی‌تاثیر نبوده است.

سیدعلی رکن‌الدین شاعری مسلمان است. چرا این را می‌گویم؟ چون اگر شعر آیینی را شعری بنامیم که اختصاصا برای معصومی (علیه صلوات!...) سروده شده است، در «دچار» به جز چندمورد، غالب اشعار، آیینی نیستند؛ اما با این حال در شعرهای عاشقانه این کتاب هم رنگ و بویی از دین و مذهب و مسلك شاعر می‌توان یافت و این ویژگی، شعر رکن‌الدین را دلنشین و پیوندهای آن با اعتقادات مردم عامه را قوی‌تر می‌کند:

ندارد زندگی معنای رنگینی به جز ماتم
کسی باید بیاید معنی محیای من باشد
عزادارم کنار تو، تو بدمستی کنار من
تو کاخ سبز بشکوهی و من ویرانه شامم
عزا و عید را یکجا به ماه چهره‌ات دیدم
که روی تو ربیع‌الاول و موی تو عاشورا
نام‌های ما گواهی می‌دهد ما عاشقیم
دلخوشی دارد علی بودن به زهرا داشتن

توجه کنید که شاعر این حرف‌ها را دارد در یك شعر عاشقانه می‌زند اما از تلمیحات و اشاراتش مخاطب متوجه مشی و مرام و دین و مذهبش می‌شود و این موهبت شعر رکن‌الدین می‌تواند عاشقانه‌هایش را از دیگر شاعران جوان هم‌روزگار خود متمایز کند؛ علی‌الخصوص امروزه‌روز که متاسفانه برخی چنین می‌اندیشند که اگر شعر عاشقانه‌ای بنویسند که در هیات و حسینیه اتفاق بیفتد یا به جای زلف و خط و خال، از چادر و جلباب و معجر بگویند عاشقانه‌هایشان رنگ و بوی دینی خواهد گرفت!

یك کار خوب دیگر هم در «دچار» دیدم که آن انتخاب مصرعی از یکی از شاعران کهن برای هر شعر کتاب بود، با این ویژگی که آن مصرع می‌بایست در خود کلمه «دچار» را داشته باشد. این به خودی خود خوب است چرا که می‌تواند حتی مخاطب را به سمت و سوی شعر کهن نیز سوق دهد اما شاعر می‌توانست کمی خوش‌سلیقگی کند و ذیل هر غزل بیتی را از دواوین کهن انتخاب کند که ارتباط معنایی محکمی با غزل موردنظر داشته باشد.

در آخر باید بگویم سیدعلی رکن‌الدین را شاعر باهوشی می‌دانم و این صفت او را با خواندن شعرهای «دچار» و همچنین وسواس ویژه او در انتشار این کتاب بعد از چندسال شاعری به‌عنوان کتاب اول شاعر، متوجه شدم.

در حالی پیدا کردن دی جی برای جشن تولد و... از دانلود یک موسیقی آسان‌تر و در دسترس‌تر شده که پلیس فتا می‌گوید اتفاقات این عرصه را به شدت رصد کرده و با افراد متخلف برخورد می‌کند

در کمین دی جی ها

سرهنگ پاشایی: به طور مداوم در حال رصد فضای مجازی هستیم و با قانون شکنان برخورد می‌کنیم

باران حیدری
ادبیات و هنر

به نظر شما زمان دسترسی به یک موسیقی غیر مجاز چقدر است؟ مسلما خیلی کوتاه... می‌توانید به راحتی آن را از روی سایت های مختلف دانلود کنید و یا حتی در شیوه ای ساده‌تر می‌توان نام خواننده یا قطعه را در برخی ربات های تلگرامی نوشت و موسیقی مورد نظر را خیلی سریع و با کیفیت دلخواه دریافت کرد. شاید این اتفاقات با پیشرفت تکنولوژی خیلی هم عجیب و غریب نباشد. اما همین جناب تکنولوژی که موجب گسترش فضای مجازی و شبکه های اجتماعی گوناگون شده، حالا کار را به جایی رسانده که دسترسی به دی جی ها هم در زمانی به همین اندازه کوتاه امکان پذیر شده است. آنقدر که وجود دی جی ها و بخصوص دی جی های زن، هر چند پدیده ای غیر اخلاقی و غیر قانونی است، اما آزادانه در حال فعالیت در فضای مجازی اند. البته این خبر بد را هم برایشان داریم که پلیس فتا رصدشان می‌کند و این فعالیت غیرقانونی آزادانه، نمی‌تواند با همین روال ادامه پیدا کند.

۱ جولان دی جی ها در فضای مجازی

اگر یک نفر بخواهد برای برگزاری مهمانی، جشن تولد، عروسی یا هر برنامه مشابه دیگری یک خواننده یا گروه موسیقی را دعوت کند، می‌تواند با یک چرخ زدن ساده در فضای اینستاگرام به انواع و اقسام صفحه هایی برسد که در حال فعالیت هستند و می‌گویند مهمانی ها و جشن ها را به بهترین شکل برگزار خواهند کرد. گشت و گذار در اینستاگرام نشان می‌دهد این صفحه ها حسابی خودشان و کارشان را تبلیغ می‌کنند و ظاهرا کار و بارشان، سکه هم است! یکی از دی جی ها که دختر خیلی جوانی است در تولد یک دختر بچه مشغول خواندن و انجام حرکات موزون با اوست.

مادر دختر بچه هم خیلی خوشحال در کادر حضور دارد و ظاهرا از دعوت یک دی جی و برگزاری تولد متفاوت برای دخترش بسیار راضی است. در صفحه های مشابه هم همین خبرهاست. دختران جوانی که می‌خوانند و می‌خرامند و تولدها و عروسی هایی که دی جی های جوان در آنها به اجرای موسیقی می‌پردازند. از شام شبانه و دوستانه ای که اجرای موسیقی زنده چند ساعته می‌خواهد تا تولد کودک و نوجوانی که خانواده اش قصد دارند تولدش را به یک اتفاق خاص بدل کنند، دی جی های خانگی همه اینها را پوشش می‌دهند.

دی جی هایی که در میان آنها زنان دی جی هم نقش پررنگی پیدا کرده و حالا تبدیل شده اند به ستاره های جشن های تولد و مهمانی های خانگی. می‌توانید صفحه های مجازی را ببینید که چندین هزار دنبال کننده دارند و در آنها ویدئوها و عکس هایی از اجراهای انجام شده دیده می‌شود. همه چیز هم آنقدر شیک و جذاب به نظر می‌رسد که شاید خیلی ها را وسوسه کند که گوشی تلفن را بردارند و یکی از این دی جی ها را برای مهمانی هایشان دعوت کنند.

احتمالا در آن لحظات همچنان محو رنگ و لعاب و جذابیت تصاویر و ویدئوها شوند که بخواهند مهمانی شان این بار متفاوت از همیشه باشد، آنقدر که اصلا هم فکر نکنند این صفحه ها قانونی نیستند و در صورت بروز هر گونه اتفاقی احتمالا دستشان چندان به جایی بند نخواهد بود، چراکه خود ابتدا وارد یک کار غیر قانونی شده اند.

ماجرا را خیلی جدی تر از آنچه فکر می‌کرده ام، می‌بینم و خلاصه تصمیم می‌گیرم بشوم مادر یک دختر بچه ۵ ساله، خواهر داماد، میزبان و برگزارکننده یک مهمانی دوستانه ساده در خانه و چند شماره از روی صفحه ها برمی دارم و یکی یکی با آنها تماس می‌گیرم.

۲ میانگین ۶۰۰ هزار تومان

اولین شماره را که می‌گیرم چند بوق می‌خورد و آقایی جواب می‌دهد. بیشتر تعجب می‌کنم که دسترسی به دی جی هم اندازه دانلود همان موسیقی مورد نظر راحت و ساده است. اسم صفحه شان را به زبان می‌آورم و می‌گویم می‌شود با خانم فلانی حرف بزنم. می‌گوید نه خودشان که جواب نمی‌دهند. من مدیر برنامه هایشان هستم. حیرتم بیشتر می‌شود که خانم دی جی مدیر برنامه هم دارد! اما زود خودم را جمع و جور می‌کنم و می‌روم توی نقشم. نقش مادر دختر ۵ ساله ای به نام آتریسا. می‌گویم به زودی تولد دختر ۵ ساله ام است و شرایط را می‌پرسم. می‌گوید خواننده و امکانات صوتی برای سه ساعت ۶۰۰ هزار تومان. می‌پرسم نوازنده ندارید که می‌گوید با نوازنده هم قیمت ها خیلی فرق دارد و هم شرایط که ما نداریم، بعد تاریخ تولد دخترم را می‌پرسد، هول می‌شوم و نزدیک ترین تاریخ تولد اطرافم یعنی همکار یک میز آنطرف تر را می‌گویم. آقای پشت خط می‌گوید پس خیلی وقت ندارید، عجله کنید. بعد می‌گوید صبر کنم، تقویمش را نگاه کرده و می‌گوید تا یکی دو ماه آینده پنجشنبه و جمعه هایشان پر است و اگر نجنبم، روزهای دیگر را هم از دست می‌دهم.

می‌گویم اگر بیشتر از سه ساعت بشود چه؟ اما تاکید می‌کند که بیشتر نمی‌شود و خانم دی جی اذیت می‌شوند. با خودم می‌خندم و به این فکر می‌کنم که این دی جی ها از خواننده های رسمی که حاضرند سه سئانس پشت هم روی صحنه بروند، ناز و ادایشان بیشتر است! خلاصه قرار می‌شود به او خبر بدهم و خداحافظی می‌کنم.

۳ سالن چیه؟ فقط خونه و باغ

این بار می‌شوم خواهر عروس و شماره دیگری را می‌گیرم. شرایط را می‌گویم و قیمت می‌گیرم. برای سه ساعت یک میلیون تومان. می‌پرسم رقصنده هم دارند؟ خانمی که پشت خط است، می‌گوید اگر برنامه مان قطعی شود و با هم کنار بیاییم می‌توانیم برویم سراغ این موضوع و قیمت هایش و... چون رقصنده های خوبی می‌شناسد که می‌توانند به گفته او اصلا عروسی را از این رو به آن رو کنند! تاریخ عروسی را هم می‌گویم هنوز قطعی نشده اما قبل از ماه محرم خواهد بود و از آن سوی خط می‌شنوم در هر صورت سرشان خیلی شلوغ است، بهتر است هر چه زودتر تصمیم بگیریم.

بعد می‌گویم حالا سالن را بگیریم که خانم آن طرف خط هم از کوره در می‌رود و می‌خواهد خودش را جمع و جور کند که داد نزند! «خانوم سالن چیه؟ صدای خواننده زن نیاد و این حرفا... دردسر داره. ما عروسی باغ و خونه باشه میریم» می‌گویم ای بابا وسع ما به باغ و این حرف ها نمی‌رسد. شماره دیگری را می‌دهد و می‌گوید اینطور هم نیست. می‌گوید تماس بگیرم و شرایط را بپرسم، می‌شود کنار آمد و خانه یا باغی در تهران و همین اطرافش گرفت البته با تعداد مهمان های محدود و البته با توجه به وسع مالی برگزارکننده، پذیرایی محدودتر.

با شماره جدید تماس می‌گیرم، از قیمت های نجومی تا معمولی ترین هایش را می‌شنوم. از خانه هایی در مناطق مختلف تهران تا باغ های اطراف تهران. با امکانات کامل. عکاسی، شام و میوه و شیرینی. می‌پرسم اگر چیز دیگری بخواهیم... و حیرت زده می‌شنوم هر چه بخواهیم هست اما هزینه دارد! حس می‌کنم نفسم گرفته، خداحافظی می‌کنم و شماره را هم بلاک!

۴ خوشا درآمد!

خب برای شماره سوم باید نقش تازه ای بگیرم، اول کمی قدم بزنم و این نقش دوم دشوار را فراموش کنم، یک لیوان آب بخورم و... خلاصه کمی تمرکز می‌کنم و تمرین و می‌روم سراغ نقش تازه. خانمی هستم که مهمانی دارد و دلش می‌خواهد در مهمانی عصرانه ای که فامیل و دوستان را دعوت کرده به قول معروف بترکاند و چشم همه را در بیاورد! بماند که توی دلم به نقشم یک خدا به دور هم می‌گویم و از این یکی انگار بیش از همه راضیم. با شماره سوم تماس می‌گیرم، کارشان جدی تر از این حرف هاست انگار، هم شماره ثابت دارند و هم شماره موبایل. شرایط را می‌گویم، یک مهمانی عصرانه دو سه ساعته که «می‌خوایم بترکونیم». گروهی بیاد که همه چی تموم باشه! و می‌شنوم که برای خانه همان یک نفر با سیستم صوتی می‌آید و فضای آمدن گروه نیست. قیمت هم همان سه ساعت ۶۰۰ هزار تومان است. با خودم حساب می‌کنم هفته ای دو اجرا هم در همان روزهای پنجشنبه و جمعه بروند از من روزنامه نگار و آن معلم حق التدریسی و اغلب کارمندان و همه کارگران ها درآمدشان بیشتر است.

۵ تیپ شناسی دی جی ها

به صفحه ها برمی‌گردم، با دقت بیشتری چهره ها را نگاه می‌کنم. بینی های عمل شده سربالا، لب و گونه های بوتاکس شده، ابروهای یک کیلومتر بالاتر از چشم و موهای طلایی و آبی و بنفشی که احتمالا کلی اکستنشن هم لابه لایشان است، بعلاوه اندام های لاغر مد روز تیپ این دی جی ها را ساخته است. خوب حرکات موزون بلدند و اغلبشان هم تا دلتان بخواهد افتضاح می‌خوانند.

می‌ایستند با بچه سه ساله و چهار ساله می‌رقصند و مثلا تولدش را خاطره انگیز می‌کنند. می‌روند عروسی و با حضورشان به عنوان پدیده های نوظهوری که هنوز همه گیر نشده، می‌شوند گل محفل و هم برگزارکننده کلی ژست می‌گیرد و به قول معروف بادی به غبغب می‌اندازد که ببینید چه کرده ام و هم جناب دی جی چند ساعتی خوش می‌گذراند و پولش را می‌گیرد. بعد هم احتمالا بقیه حاضران شماره اش را می‌گیرند که از قافله عقب نمانند و او را راهی می‌کنند، برود. خب چه بدی دارد، هم فال است و هم تماشا! این یک بخش ماجراست، اما ماجرا حتما از نظر قانونی هم ابعاد دیگری دارد. شاید همه چیز به همین شیکی و زیبایی که می‌بینم پیش نرود و اتفاقات دیگری هم پشت پرده همین جشن های ساده رخ دهد.

۶ حواسمان هست

با سرهنگ رامین پاشایی، معاون اجتماعی و سخنگوی پلیس فتا تماس گرفته و تمام آنچه را در جریان نوشتن این گزارش گذشته را با او در میان می‌گذاریم. او درباره فعالیت این صفحات به جام جم می‌گوید: ما به طور مداوم در حال رصد فعالیت های غیرقانونی در فضای مجازی بوده و با صفحاتی که تولیداتی مجرمانه و یا غیراخلاقی دارند، برخورد می‌کنیم.

او ادامه می‌دهد: در طرح امنیت اخلاقی هم موارد بسیاری را شناسایی و طی مراحل قانونی با آنها برخورد کردیم. این صفحات هم در رصد قرار گرفته و بر اساس فعالیت های مجرمانه شان به مراجع قضایی معرفی خواهند شد.

معاون اجتماعی ناجا بعد دیگری از ماجرا را هم به میان کشیده و می‌گوید: بخش عمده ای از این صفحات متعلق به افرادی است که فعالیت هایی کلاهبردارانه دارند، قرار می‌شود در ازای دریافت مبلغی پول به عنوان بیعانه خدمات و یا کالایی را به مردم ارائه کنند، اما بعد از گرفتن پول دیگر خبری از آنها نمی‌شود و پاسخگوی تعهد خود نیستند. این اتفاقات حتی در خرید لباس هم برای مردم رخ می‌دهد چه رسد به فعالیت هایی که بار مجرمانه هم دارند و مشخص نیست تعهدی در برابر مبلغی که دریافت می‌کنند، داشته باشند. ابعاد این ماجرا اما از یک مسأله قضایی و پلیسی فراتر می‌رود. ریشه های فرهنگی و اجتماعی این قبیل پدیده ها را باید بررسی کرد. از جامعه شناسان و روان شناسان گرفته تا علما و حوزویان و دانشگاهیان باید به بروز این ناهنجاری ها فکر کرده و راه درمان آن را بجویند.

سرهنگ رامین پاشایی معاون اجتماعی و سخنگوی پلیس فتا به جام جم می‌گوید: ما به طور مداوم در حال رصد فعالیت های غیرقانونی در فضای مجازی بوده و با صفحاتی که تولیداتی مجرمانه و یا غیراخلاقی دارند، برخورد می‌کنیم

دی جی ها چه شکلی هستند؟
بینی های عمل شده سربالا، لب و گونه های بوتاکس شده، ابروهای یک کیلومتر بالاتر از چشم و موهای طلایی و آبی و بنفشی که احتمالا کلی اکستنشن هم لابه لایشان است، بعلاوه اندام های لاغر مد روز تیپ این دی جی ها را ساخته است. خوب حرکات موزون بلدند و اغلبشان هم تا دلتان بخواهد افتضاح می‌خوانند